

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه اتراب (جله سوم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۷/۰۹/۲۸

- برای اینکه انسان یاد بگیرد که در کارهایش انبیاء و اولیاء باشند، در این صورت نظام کارهایش به سمت خوبی می‌رود و کم کم می‌تواند حتی خوابش را هم تقدیم به انبیاء و اولیاء کند. خواب ارزش دارد و در خواب بسیاری از گره‌های مهم قابلیت باز شدن پیدا می‌کند. ان شاء الله همه اعمال مان قابل تقدیم به انبیاء و اولیاء باشد، صلواتی ختم بفرمایید.
- در هر زمانی هم می‌توان کار را به شب قدر ملحق کرد. می‌توان برای هر کاری فیض شب قدر را جاری کرد. برای اینکه ان شاء الله این جلسه هم رنگ و بوی شب قدر پیدا کند، صلواتی ختم بفرمایید.
- ائمه اطهار به ویژه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت صدیقه (سلام الله علیها) در نمازهایشان بارها و بارها سوره قدر را می‌خوانده‌اند. سوره قدر که خوانده می‌شود، فرد به خود نوید می‌دهد که همه لحظاته به شب قدر متصل می‌شود.

سوره‌های مکی و مدنی

آیاتی از سوره را بررسی کردیم. قبل از مرور آیات بحثی را در مورد سوره‌های مکی و مدنی ارائه می‌دهیم

حدوداً از ۱۱۴ سوره، کمتر از ۴۰ سوره مدنی است و اغلب سوره‌ها مکی است. سوره‌های مدنی به لحاظ حجم آیات، زیاد هستند چون در این سوره‌ها سوره‌هایی مانند مائده و نساء و آل عمران و بقره وجود دارد. هر کدام از این سوره‌ها ویژگی‌های خاصی دارند. در سوره‌های مکی به قدری واضح است که حضرت علامه (رحمه الله علیه) در تفسیرشان می‌فرمایند، سیاق این سوره مکی است و فرد به راحتی آن را تشخیص می‌دهد. در سوره‌های مکی جامعه‌ای که با آن مواجه می‌شویم زر و زور و تزویر در آن وجود دارد. این زر و زور و تزویر در اختیار طاغوت و کفر است و به همین دلیل خداوند خیلی شدید در مورد عذاب صحبت می‌کند، مثل سوره ابراهیم و دخان و ... برخی از سوره‌ها نشان می‌دهد که کفار حرف‌های ناهنجاری در مورد خدا می‌زنند و انکار در آنها زیاد است.

در سوره‌های مدنی موضوع کمی متفاوت می‌شود و علاوه بر کفار، اهل کتاب هم اضافه می‌شوند. البته در سوره‌های مکی از اهل کتاب به شکل‌های مختلفی یاد می‌شود اما در اینجا گویا نظامی پیدا می‌شود و مشرکین نیز اضافه می‌شوند. یعنی این‌ها عنوان پیدا می‌کنند. اهل کتاب کسانی هستند که کتاب وحی دارند، هرچند قرآن را قبول ندارند. مشرکین کسانی هستند که کتاب‌دار هم نیستند و بت‌پرستند. کفار کسانی هستند که یا در کفر در مقابل ایمان دارند یا کفر در مقابل شکر دارند یا کفر در برابر اسلام. سه حالت پیدا می‌کند که هر سه مورد مد نظر است. بعد به منافق می‌رسد. یعنی تمام این شش حالت ایجاد می‌شود. داستان خیلی سخت می‌شود.

در سوره احزاب همه این گروه‌ها جمع شده‌اند و علیه اسلام متحد شده‌اند و می‌خواهند با توحید ناب و اسلام انقلابی مبارزه کنند. در واقع این افراد موفق می‌شوند، این وحدت ذهنی را عینی کنند. یک اتاق جنگ ایجاد کردند برای بسیج شدن علیه اسلام و این اتفاق خیلی خطرناک بود و آیات هم که خوانده شد نشان داد که جو ترس در جامعه زیاد است.

سوره احزاب جریان شناسی و مردم شناسی کل مدینه را در خود دارد و ارتباطش با سوره‌های مکی به شکل یک نقطه ثقل، عمل می‌کند. این سوره در زمان نزول خودش هم همین اتفاق برایش می‌افتد و تقریباً در وسط‌های دولت کریمه پیامبر بوده است و از جایی بوده است که نفاق برای انحراف مردم جولان پیدا می‌کرده است.

در سوره‌های مکی مثل فصلت، کفر خیلی شدید و غلیظ است و آنقدر پررو شده که در قیامت هم جلوی خدا حرف می‌زند! در همان سوره اما به پیامبر می‌گوید با آنها برخورد حسنه داشته باش، شاید این برخورد تو آنها را تبدیل به دوست کند. اما در سوره‌های مدنی چنین چیزی کم است. این کفر در سوره‌های مدنی پوشیده می‌شود و تشخیص آن سخت و قابل بیان نیست و در این شرایط اصلاح مردم کار سختی می‌شود. در این سوره‌ها تویخ‌های سختی برای افراد ضعیف‌الایمان وجود دارد که باید ترسید که نکند جزء این افراد باشیم.

ممکن است کفر در جامعه مدنی با مقابله‌هایی اصلاح شود اما اگر کفر در جامعه‌های مدنی شکل بگیرد، درست کردنش سخت می‌شود به خاطر پوشش‌دار شدن آن و حق الناسی که ایجاد می‌کند.

این زاویه دید را از این جهت باز کردیم که فضای جامعه مدنی علاوه بر تقدسی که دارد، یکسری آسیب‌هایی دارد که باید حواسمان به آن باشد. چه بسا در همین زمان حاضر یک آیه قرآن و یک کلام حق در یک کشور بیگانه که

کافر هستند چنان تأثیری در آنها بگذارد و یک مرتبه انقلابی در آنها ایجاد کند اما خواندن همان آیه در یک جامعه مدنی هیچ اثری نکند و نه تنها اثری نکند بلکه آنها را تشویق به مقابله کند و به این مقابله افتخار هم کنند. این مطلب را از کنار هم گذاشتن سوره‌های مدنی به دست می‌آوریم. احتمال توبه در این سوره‌ها کم می‌شود.

سوره احزاب و زمان پیامبر

در هر کدام از سوره‌های مدنی به شأنی از جامعه مدنی توجه شده است و در سوره احزاب به شأن پیامبر اعظم به عنوان قطب جامعه مدنی پرداخته شده است.

کافر و منافق و مشرک را جدا جدا می‌آورد. این‌ها علمی را در جامعه ایجاد می‌کنند و باید و نبایدهایی را در جامعه ایجاد می‌کنند که خداوند باید به پیامبرش امر کند که «لا تطع». ببینید به چه مقبولیت اجتماعی رسیده‌اند که خداوند چنین می‌گوید.

اگر کسی بتواند سوره را در زمان نزولش خوب ببیند، در انطباق آن با زمان حال هم موفق خواهد شد. اما اگر نتواند ظهور سوره را در زمان خودش بفهمد در تطبیق دچار مشکل خواهد شد و اگر بخواهد با این شرایط از سوره باید و نباید دریابد، به آن تفسیر به رأی گفته می‌شود. البته در غیر اینصورت اگر برای حفظ و بهره بردن باشد، تفسیر به رأی نمی‌شود.

بررسی آیات ۲۱ تا ۲۶

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱)

اگر روزی پیامبر بخواهد، تقوای الهی را داشته باشد و از کافرین اطاعت نکند، باید حتماً به اسم علیم خدا متوسل شود. این اسم علیم حکیم خداست که توفیق تقوا و عدم اطاعت هر کافری را می‌دهد. پس هر کسی خود را در معرض اطاعت کافرین یا عدم تقوا در نظام دینی و اسلامی قرار دهد، اسم علیم حکیم خدا را باید زیاد تکرار کند یا ببیند که اسم علیم حکیم خدا یعنی چه.

رسانه و سوره احزاب

از بهترین سوره‌هایی که می‌توان به طور تخصصی با موضوع رسانه کار کرد همین سوره است. رسانه در جهان به ابرقدرت پنهان، یا سحر پنهان یا جادوی پنهان شناخته می‌شود. عده‌ای در پس آن مخفی می‌شوند و القائات زیادی

می‌توانند داشته باشد؛ مردم را بترسانند یا به کاری ترغیب کنند. واژه‌های رسانه در این سوره زیاد است. خیلی از حرف‌ها در سوره به صورت دهان به دهان گفته می‌شود و ایجاد رعب می‌کند و جویّ ایجاد می‌کنند تا با آن کسی یا جریانی را شکست دهند. تدابیر و مکرهای رسانه‌ای در سوره احزاب به وضوح وجود دارد. جمع شدن احزاب دور هم با یک کار رسانه‌ای و القائی انجام شد. این فعالیت رسانه‌ای کاری کرد که این احزاب دور هم جمع شوند. حرف‌ها را در اینجا می‌گوید به عنوان محتوای رسانه، ابزار رسانه و قالبی که به کار می‌برد. بهترین کار رسانه این است که مردم را رسانه کند و از طریق چهره به چهره اخبار منتقل شود. ابزار بهترین رسانه نیستند بلکه مردم بهترین رسانه هستند. در نظام حسن نیز همین است. وقتی خبر به دست انسان می‌رسد، قدرت القاء را چندین برابر می‌کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این رابطه حرف سنگین و خطرناکی دارند، می‌فرمایند مراقب باشید کلام زیاد نگوید و نقل نکنید و بترسید از اینکه کسی کشته شود یا آبرویی ریخته شود. در زمان حضرت همین اتفاق می‌افتد و از علت‌هایی که اهل کوفه نتوانستند پا به پای حضرت بیایند، رسانه مردمی بود که در آن زمان ایجاد شد.

بحث رسانه در اینجا خیلی مهم است. افرادی که در رشته‌های علوم اجتماعی کار می‌کنند بدانند چنین موضوعی در قرآن به طور جالبی وجود دارد.

اسوه حسنه

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (۲۱)

موضوع رسانه خیلی مهم است. هر خبری، هر پیامی و هر شخصیتی و خوب بودن هر شخصیتی، در هر کسی اثر نمی‌کند. وقتی از اسوه حسنه می‌گویید، می‌فرماید اگر کسی این سه شرط را داشته باشد: «يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»، اسوه حسنه بودن پیامبر در او اثر می‌گذارد. خوبی هر شخصی یا هر پیامی یا هر خبری، دریافت-کننده مخصوص می‌خواهد.

مثلاً در نمایشگاه کتاب، کسی که اهل تفکر باشد، کتاب تفکر می‌خرد و کسی که اهل سبک زندگی است به سراغ کتاب سبک زندگی می‌رود. گویی هر کسی گیرنده‌ای دارد که اگر آن گیرنده روشن شود، پیام‌های مربوط به آن فضا را دریافت می‌کند.

این خیلی خوب است و البته خیلی خطرناک هم است. اگر کسی «يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» شد، لاجرم از اسوه بودن پیامبر خبرهایی به او خواهد رسید و حتما این اسوه بودن پیامبر به دردش خواهد خورد. اما اگر این ویژگی‌ها در او نباشد، حتی اگر کنار پیامبر باشد و با او زندگی کند، زندگی رسول خدا به کارش نخواهد آمد. این آیه، آیه عجیبی است.

در قرآن اسوه در دو جا بکار رفته است. یکی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و دیگری هم برای حضرت ابراهیم (علیه السلام). از قرائن مشخص می‌شود در اسوه جنبه برائتی خیلی بیشتر از جنبه ایجابی است، برائت از شباهت به زندگی کفار. اگر بررسی چرا فلان غذا را نمی‌خوری، می‌گویند چون کفار چنین درست می‌کنند. این پوشش چون در کفر استفاده می‌شود من استفاده نمی‌کنم. به کفر حساسیت دارد.

اسوه بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت ابراهیم (علیه السلام) انسان را به دامان اهل بیت (علیهم السلام) می‌کشاند. یعنی برائت شما با اسوه‌ها زیاد می‌شود و سبک زندگی ایجابی خود را به صورت تفصیلی و جزئی و قوی از اهل بیت می‌گیرید. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به تعداد زیادی روایت‌های ایجابی داریم. پایه برائت از شرک و کفر را از دو پدر بزرگوار دریافت می‌کند.

نفی شباهت به کفار

حرمت نفی شباهت به کفار از اصولی بوده است که توسط فقها وضع شده است اما کم کم مورد بی‌توجهی قرار گرفت و افتخار پادشاهان قاجار ایجاد شباهت با کفر بود. نفی شباهت، یک مرتبه خیلی مهم می‌شود.

در سلیبات یکی از موارد مهم آن چیزهایی است که در فرهنگ عمومی به ویژه در نظام خانواده تأثیر گذار است. در زمان پیامبر در این سوره، حضرت با دو موضوع مقابله کردند؛ یکی بحث ظهار و یکی هم بحث پسرخوانده. این دو از مقوله‌های فرهنگی است. طبق این سوره برائت و نفی‌ای که صورت گرفته این است که لطفا فرهنگ‌های غلطی که معلوم نیست از کجا رسیده است را جابجا کنید و اسلامی آن را بیاورید. نظام خانواده با ازدواج شروع می‌شود و این نظام باید شرعی شود و اسوه بودن پیامبر باید برای همه پذیرفته شود. لطفا زندگی خانوادگی شبیه به کفار نشود بلکه باید شبیه اهل بیت (علیهم السلام) و حضرت ابراهیم (علیه السلام) باشد.

در آیات بعدی شروع به گفتن نظام خانوادگی پیامبر می‌کند. خود را در زمان ایشان قرار بدهید و برائتی ایجاد کنید از زندگی‌های غیر این که زندگی کافرپسند و منافق‌پسند است. در همان زمان نگاه کنیم، ببینیم کافرین چه زندگی-

ای را برای نوع انسان می‌پذیرفتند و منافقین چه زندگی را پذیرفته‌اند. بعد این را مدل می‌کنیم و طبیعتاً خیلی مشکلات کم می‌شود.

يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ

اما به نظر آنقدر که «يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» مهم است، اسوه حسنه مهم نیست. چون باید انسان خاطرش جمع باشد که اسوه حسنه هست و تبیین شده است. باید زمینه پذیرش فراهم شود و گرنه خبر اسوه حسنه بودن پیامبر (صل الله عليه و آله و سلم) در عالم طنین انداز شده است و شما نگران اینکه آیا ممکن است نتوانیم اسوه را تشخیص دهیم نباشید!

امید همیشه با مقصد است یعنی غیر از خدا و آخرت مقصد دیگری ندارد. هیچ مقصدی برای فرد، غیر از آخرت و خدا نیست. در واقع رجا مربوط به کسی است که وارد مسیری شده و مقصدی را انتخاب کرده است. این موضوع را باید در خود زنده کرد.

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا (۲۲)

وقتی خبر از اتحاد احزاب به این افراد داده می‌شود، خیلی خوشحال می‌شوند «ما زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا». با گروه قبلی عکس‌العملی کاملاً متفاوت دارند.

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (۲۳)

جملاتی مانند آیه ۲۳ اعتقاد قلبی مؤمنی است که در آیه قبل گفته شد. «لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ» چنین گفتند و اعتقادشان این بود که «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ»

این آیه در هشت سال دفاع مقدس ما خیلی جا داشت. تقریباً شبی نبود که در گردان‌ها این شعر خوانده نشود، که شهیدان می‌روند نوبت به نوبت، خوش آن روزی که نوبت بر من آید.

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً (۲۴)

این آیه نیز از اعتقادات خود مؤمنین است. این خاصیت و ادب ایمان است که حتی برای کفار هم عذاب به این معنا نمی‌خواهد. نوعاً از زبان پیامبر و مؤمنین وعده عذاب داده نمی‌شود بلکه از سوی خداست. اعتقاد دارد که ممکن است رحمت خدا شامل او نیز بشود و او هم بخشیده شود.

«شعارهای مرگ بر...» جنبه رجزخوانی دارد و سازه رسانه‌ای دارد. اگر کسی مؤمن باشد به خودش اجازه نمی‌دهد که در مورد تصمیم خدا در مورد کفار حرفی بزند. در جامعه دینی مهم است که حتی ادب مخالفت داشته باشد. «إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ»؛ ناسزا گفتن‌ها حتماً حد دارد. زمانی شما جنبه افشاگری دارید، آن هم طبق قانون است و حد دارد. کسی نمی‌تواند به بهانه مبارزه با نفاق خارج از حد حرف بزند، حتی رسولش و به همین دلیل می‌گوید از وحی تبعیت کن. اگر کسی عبودیت را یاد بگیرد، مؤدب می‌شود. اگر این ادب شکل نگیرد شما به منافق ضربه می‌زنید اما تبعات آن زیاد می‌شود.

در سوره‌های مبارکه صف، حدید، حشر و... منافقینی در جامعه بوده‌اند اما خیلی به آنها اشاره ندارند. هر آدم ضعیف الایمانی را منافق نخوانید. باید و نباید و عنوان دادن و قانون‌گذاری مال نوع بشر نیست. ما از این جهت شبیه به زندگی کافرین زندگی می‌کنیم. بالاترین جایی که زندگی، شبیه نظام کفر می‌شود آنجایی است که نظام قراردادهایش شبیه نظام کفر شود. زندگی او کافرانه شود و جعل می‌شود. سندی از آن سوی دنیا می‌آید و برخی مانند وحی منزل به آن نگاه می‌کنند! سندی که جعل است و قراردادی را جایگزین احکام خدا می‌کند.

اصلاح نظام‌های حاکمیتی کار دشواری است و نیاز به دید همه جانبه دارد. اصلاح نظام‌ها و رفتارها. این نظام‌ها شبیه به نظام کفر است و باید اصلاح شود. این موضوع نیاز به سعه صدر دارد. به نظرم اگر جنبشی مردمی در خواندن قرآن و عمل به قرآن در حد ساده یعنی اگر این آیه «لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً» به صورت جنبش مردمی اتفاق بیافتد، به طور طبیعی ساختارها میل به اصلاح پیدا می‌کنند و اگر در ساختاری میل به اصلاح ایجاد نشد، به واسطه عقوبتی که می‌کشد، به طور طبیعی این عقوبت او را اصلاح می‌کند. مردم به عنوان مردم اگر خاصیت‌شان «لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيراً» بشود، جامعه به سمت اصلاح می‌رود و اگر این اتفاق نیفتد، از بالا نمی‌شود جامعه را درست کرد ولو اینکه در نظام‌ها بهترین‌های افراد را در بالا قرار دهید، که خود رسول و امیرالمؤمنین هستند، چیزی برداشت می‌شود که نباید. یعنی ساختارها دارای چند وجه هستند و افراد می-

توانند از آن سوءاستفاده کنند. باید سعی کنیم عمل به قرآن را در جامعه تکثیر کنیم. تغییر و اصلاح در سوره رعد به مردم واگذار شده است.

اسلام و ایمان

اسلام جنبه تسلیم بودن نسبت به حکم است و ایمان جنبه اعتماد کردن به رسول و خداست. ایمان جنبه باوری و عاطفی دارد و اسلام جنبه عملی و اطاعتی دارد. اسلام مثل پذیرش یک هنجار است و ایمان مثل دل دادن به یک هنجار است. دل دادن هم درجات دارد. از نکات خیلی مهم در روایات این است که می‌فرمایند مؤمن در هنگام گناه، مؤمن نیست. گویی ایمان در قلب حالت رفت و برگشت دارد. و بعد امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند ایمان یا مستودع است یا مستقر. یا رفت و آمد دارد یا در قلب فرد تثبیت شده است. دارد.

قاعده لعن

قاعده لعن در این سوره بیان می‌شود و مربوط به کسانی می‌شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) را اذیت می‌کنند. به اعتبار اینکه در سوره احزاب آمده است که هر کسی پیامبر را اذیت کند دچار لعن می‌شود، هم می‌توان گزاره خبری داد و هم اذن داده شده است به گفتنش، مثل این است که «اللهم العن»، عدل قرار داده شده است برای «اللهم صل علی». در واقع دو روی یک سکه هستند. لعن، فحش نیست بلکه به معنای فقدان رحمت است. لعن دشنام نیست. کسی که قطع رحم کند، از رحمت خدا دور می‌شود و این فحش نیست. چون لعنت در اصطلاحات ما به نوعی فحش است اما فقط یک تشابه لفظی پیدا کرده است. از رحمت خود دور کن یعنی کاری کن که چنین اشخاصی در جامعه پا نگیرند و قدرت پیدا نکنند. مثل اینکه بگوییم خدایا کاری کن آلودگی هوا نداشته باشیم. خیلی از واژه‌هایی که در قرآن می‌خوانیم، بعداً در ادبیات ما قلب شد. واژه‌هایی مثل لعن، تشابه لفظی پیدا کرد و در جامعه قرار گرفت و این از کارهای شیطان است.

«رحمت» روح همه خیرات و نعمت است و رحمت یعنی هر چیزی که هست و خوب است و رحمان تشخیص می‌دهد و شیئت ایجاد می‌کند و «رحیم» یعنی کمال می‌دهد و بعد از آن جزا می‌دهد.

ذکر قوی عزیز

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (۲۵)

قوی عزیز واژه جالبی است. هر کسی هر جایی احساس ضعف یا شکست دارد، ذکر قوی عزیز را بگوید، «یا قوی یا عزیز». انسان در موقعیت‌هایی که احساس می‌کند کم می‌آورد، این ذکر می‌تواند خیلی کمکش کند.

رعب

وَ أَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا (۲۶)

نکته مهم بحث رعب است. از اتفاقاتی که برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) افتاد و اختصاص به ایشان داشته است این است که پیامبر به وسیله رعب نصرت داده شده است. به طور طبیعی در نظام اسلامی و دینی و به واسطه پیامبر اکرم، در دل کفار رعبی وجود دارد که می‌شود از این رعب به خوبی استفاده کرد. با دعا و با خالی نکردن صحنه می‌توان از آن استفاده کرد. طبق آیات قرآن کسانی که در مقابل اسلام هستند، دارای رعبی هستند. وقتی شما بدانید این رعب وجود دارد به ویژه در امر به معروف و نهی از منکر خیلی متفاوت می‌شود. در جامعه دینی هر کسی هم خطا می‌کند، خواهر و برادر دینی ماست. باید واقعا احساس ما این باشد.

برخوردهای قهری در جامعه منجر به دور شدن افراد از دین می‌شود. ابلاغ احکام به صورت ثانویه خیلی مهم می‌شود. شرایط و بسترهای اجتماعی وقتی دستخوش تغییر می‌شوند احکام خداوند نباید تعطیل شود. باید همه احساس کنند در چنبره احکام الهی هستند. خلاف بی‌دین شدن، از خلافی که فرد انجام می‌دهد بیشتر است. اگر جامعه دینی به جایی برسد که افراد برای انجام خلاف‌شان از دین خارج شوند، کار اشتباهی است. او باید در احکام الهی قرار بگیرد و احساس جدایی نکند.

بالاترین عطاء به یک انسان این است که محبت رسول در زندگی‌اش ظهور داشته باشد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات